



اصلاحاتی که باید اعمال شود

جمیله وافی
فعال فرهنگی حوزه
بانوان، مدرس حوزه

باتأملی در وضعیت فعلی حجاب و عفاف در کشور و ارزیابی و آسیب‌شناسی تلاش‌های صورت گرفته تا کنون در زمینه ترویج آن، به مواردی برخورد می‌کنیم که قطعاً نیاز به اصلاح دارد. از مهم‌ترین آن‌ها دو نکته است.

یک: رفتارها بر خاسته از یک پشتوانه و پس زمینه به نام «باور» هستند. هر عملی ناشی از یک نوع و یک سطح از باور افراد است و تفاوت رفتارها هم چنین عمیق یا سطحی بودن آن‌ها مربوط به همین پشتوانه نگرشی است. هرگونه تلاش برای تغییر یک رفتار ناهنجار بدون توجه و پرداختن به باوری که

لایه زیرین و درونی این رفتار را شکل می‌دهد هیچ اثر ماندگار و واقعی ای نخواهد داشت. اگر هم نشانه‌هایی از تغییر مشاهده کنیم، کاملاً موقت و تحت تأثیر شرایط شکل گرفته است و امیدی به پایداری آن نیست. علائم این ناپایداری زمانی بروز می‌کند که طوفانی از شبهات، شایعات و وارونه‌نمایی‌ها در فضای حقیقی و مجازی برخیزد. در این زمان، رفتارها همچون شاخه‌هایی سست و غیرمتکی بر ریشه، یکی پس از دیگری محو یا به ضد خود تبدیل می‌شود.

نمی‌خواهم لزوم فعالیت‌های مبتنی بر تصحیح رفتار را منکر شوم و بی ارزش بدانم. سخن این است که به موازات و هم‌ردیف این گونه تلاش‌ها بلکه بیشتر و قوی‌تر از آن باید به اصلاح و ارتقای باورها (عقاید) و نوع نگاه انسان‌ها به خود، خدا، عالم هستی و دیگران پرداخت.

لذا ضرورت دارد مجموعه‌های فرهنگی، تربیتی و افراد اثرگذار و دغدغه‌مند به این مهم دقت کنند و تغییراتی جدی در محتوا و روش فعالیت خود اعمال کنند.

دو: آدمی فطرتاً منفع‌طلب و به دنبال مصلحت، لذت و آرامش خویش است. حرکت انسان به سوی خوبی‌ها، زیبایی‌ها و قله‌های اخلاقی و رفتاری به هیچ‌انگیزه دیگری جز این ویژگی‌های خدادادی نیاز ندارد. تنها به یک عامل محرک یا به عبارت بهتر تلنگری نیاز است که در این جهت، مربیان دلسوز از انبیا گرفته تا علما، معلمان، والدین و مجموعه‌های فرهنگی باید زمینه‌ساز مصادیق حقیقی خوب و بد، لذت و رنج، و زیبایی و زشتی را فراهم آورند.

قابل توجه است که قرآن کریم به عنوان فلسفه حجاب بر دو نکته تأکید دارد:

۱- زنان مؤمن با رعایت پوشش کامل، به عفت و تقید شناخته می‌شوند و گویی حریمی بین خود و نامحرم ایجاد می‌کنند که به تبع در معرض کمترین آسیب و اذیت اجتماعی از سوی دیگران قرار می‌گیرند.

۲- حفظ حدود حجاب (با تمام ابعادش) طهارت جان و قلب را برای بانوان و نیز مردان جامعه به ارمغان می‌آورد.

شاید بتوان گفت نکته اول بیشتر جنبه حسی و ظاهری و نکته دوم بیشتر به جهت روحی و معنوی اشارت دارد.

اگر همین دو ثمره حجاب اسلامی با شیوه‌های جذاب و مؤثر برای آحاد جامعه (چه زن چه مرد) تبیین و به باور آن‌ها تبدیل شود، برای تشویق به حفظ این هنجار شرعی و عقلی (حجاب) کفایت می‌کند. در صورتی که دختران و زنان مسلمان حقیقتاً منافع فردی و خانوادگی خود را در گرو حفظ حریم عفاف و حجاب بدانند و دریابند که بای حجابی، آرامش و آسایش روحی، روانی و جسمی آن‌ها در هم می‌ریزد و آسیب می‌بیند، خود به خود به سمت آن نمی‌روند. البته درباره شیوه انتقال این آموزه‌ها سخن بسیار است که در جای خود باید گفت.

متأسفانه اکثر اسبک استدلال بر لزوم رعایت حجاب اسلامی این مفهوم را به ذهن دختران و جوانان و بانوان القا می‌کند: تو باید حجم وسیعی از محدودیت‌ها و سختی‌ها را بپذیری و تحمل کنی تا دیگران راحت باشند و به سختی و رنج و حرام نیفتند!

بپذیریم که این فلسفه شوق و انگیزه چندانی برای پایبندی به حدود حجاب اسلامی در انسان ایجاد نمی‌کند. لذا به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین اصلاحاتی که باید صورت گیرد در فهم و تفهیم فلسفه حقیقی حجاب اسلامی است.



حجاب، محصول انتخاب افراد است

الهام غفاری
دانشجوی دکتری
مطالعات زنان و
فعال فرهنگی حوزه
دختران

در مقدمه توجیهی لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب با زیرعنوان «حمایت از سلامت اجتماعی» که ابتدای خردادماه سال جاری از سوی ریاست جمهوری ایران به رئیس مجلس شورای اسلامی تقدیم شد، لفظ «زن»، حفظ کرامت، منزلت و امنیت اخلاقی او و نقش بنیادینش در تحکیم خانواده و رشد جامعه در کنار عمل به وظیفه حاکمیت و عموم مردم برای تحقق سلامت و هنجار اجتماعی به عنوان دو عامل اساسی در وجاهت بخشی به این لایحه مورد توجه قرار گرفته است. فارغ از عدم جامع‌نگری لایحه به موضوعی چندوجهی مثل حجاب در جامعه ایران، اصل این نگاه به «زن» به عنوان وجه شاخص رعایت حجاب در جامعه، موضوع مهمی است که باید مورد توجه اندیشه‌مندان و نخبگان حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی در بدنه حاکمیت قرار گیرد.

حجاب یکی از برون‌دادهای منظومه و نظام سیستمی تفکر دینی است. به عبارت دیگر، حجاب محصول، میوه و ثمره شناخت و معرفت به ... است. اقبال به دین و دستورهایی دینی از جمله حجاب، زمانی برای فرد موضوعیت می‌یابد که در فرد، پس از نیاز به حرکت، درک ضرورت و نیاز به ... شکل بگیرد. در این صورت، به دنبال چگونگی بهترین حرکت و سلوکش در این عالم می‌گردد و ناگزیر و لاجرم به مذهب و بالاترین مذهب روی می‌آورد. حجاب در مقوله دینی، بیش از آنکه موضوعیت داشته باشد، طریقت دارد. برای مثال، درباره حدود حجاب سخن داریم ولی در باب رنگ و شکل آن خیلی بحث نشده است. بر این اساس، ضرورت حجاب برای کسی معنا پیدا می‌کند که ضرورت رفتن را درک کرده است و در این مسیر رفتن، در این عالم، ناگزیر است ابزار و لوازم حرکتی را اتخاذ کند به نام احکام دینی و یکی از آن احکام دینی که باید رعایت کند حجاب است. در واقع، حجاب زمانی معنا پیدا می‌کند که من بفهمم انسانی هستم یا بی‌نهایت استعداد و قابلیت که من را از این دنیا بزرگ‌تر می‌کند و رفتن و پیوستن به جهانی دیگر را برای عظمت‌هایم ناگزیر می‌سازد. پس من رفتنی هستم و در این مسیر گذرا، اگر خرج کوچک‌تر از خودم بشوم، پای رفتنم لنگ می‌ماند و استعدادهایم مدفون می‌شود. از طرف دیگر، من در بی‌نهایت رابطه و ارتباط با اشیا، با انسان‌ها، با طبیعت و با درونم به سر می‌برم که اگر حواسم نباشد، همین روابط بی‌انتهای ممکن است در مسیر حرکتی من گردی به پا کند و رفتنم را با اخلاص جدی روبه‌رو کند. پس دقت می‌کنم تا در مسیر رفتن، موانع را کنار بزنم. با این حساب، یکی از کارهای من دقت می‌شود که نه خودم بت کسی شوم، نه به بت‌ها بیاویزم. حجاب همین دقت‌هاست. با این توضیحات، شاید اولین گام در طراحی این لایحه، دقت در همین دو موضوع باشد که حجاب محصول تفکر ایمانی و انتخاب افراد است. دیگر اینکه حجاب ویژه زنان و صرفاً به دلیل تحکیم بنیان خانواده نیست.

شاید لازم باشد برای ایجاد تفکر حجاب، پیش از تنظیم لوایح و تقنین قوانین، ابتدا گستردگی آن فهم شود. ابعادش مشخص شود، زیرساخت‌های انتخابش تسهیل گردد و انسان فارغ از جنسیتش، کرامت ذاتی و الهی‌اش مورد توجه قرار گیرد تا انتخاب‌هایش از سمت و سویی عظیم‌تر از این دنیا و جلوه‌هایش شکل بگیرد.

